

« قوه قاهره و حادثه غیر مترقبه »

(Force - majeure et Cas fortuit)

تحقق عقد طرفین قرارداد را در وضع حقوقی بخصوصی قرار میدهد که بموجب آن آنان را به تبعیت از مفاد تعهد ملزم و در صورت تخلف غالباً بجزیران خسارت ناشیه از عدم اجرای آن محکوم میسازد :

استثنای وارده بر اصل فوق موردی است که حوادث غیرمترقبه یا قوه قاهره ئی موجبات عدم امکان ایفای تعهد را فراهم سازد :

منظور از این بحث تعریف و تشخیص و بیان بعضی احکام ایندو نوع مانع میباشد :
مقدمتاً شایسته یادآوری است که قانون مدنی ایران با اینکه در پاره ای موارد بمصادیق قوه قاهره و حادثه غیر مترقبه اشاره کرده است عنوان خاصی برای هیچکدام وضع ننموده . اما قانون آئین دادرسی مدنی سابق در ماده ۶۹ و موارد دیگر قوه قاهره را بفرس مازور تعبیر و ماده ۶۹ اصلاحی قانون مزبور اصطلاح حوادث قهری را اختیار نموده است . و راجع بعنوان دوم Cas fortuit قوانین اصطلاح معینی وضع ننموده اند اما با توجه به کتب و نظر دانشمندان حقوق میتوان آترا چنانکه فوقاً بیان شده به « حادثه غیرمترقبه » ترجمه کرد :

نه تنها در قانون مدنی ایران بلکه حتی در قوانین مهمی از قبیل قانون مدنی فرانسه و همچنین قانون تجارت آن کشور تعریفی از قوه قاهره و حادثه غیرمترقبه بعمل نیامده است ولی قوانین بعضی از کشورها مثل شیلی و اسپانی و غیره آنها را صریحاً تعریف نموده اند . مثلاً ماده ۵۵ قانون شیلی مقرر میدارد :

« قوه قاهره قوه ای است که امکان وقوع آن پیش بینی نشود و جلوگیری از آن ممکن نباشد مثل زلزله ، تندباد » و ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی اسپانی آنها را به « حوادثی که نمیتوان فرض وقوع آنها را کرد و حوادثی که وقوعشان ممکن ولی دفع آنها ممتنع است » تعریف نموده است .
نقص قانون فرانسه را رویه قضائی جبران کرده و حکم ۱۷ ژوئن ۱۹۲۵ دیوان عالی تمیز آن کشور تصریح نموده است که : « قوه قاهره و حادثه غیر مترقبه که مدیون را از مسئولیت مبری می سازد عبارت از حوادثی میباشد که وقوعشان قابل پیش بینی نبوده پس از حدوث ایفای تعهد را محال سازد . »

از آنجا که از طرفی قوه قاهره درحقیقت وصفی غیرمترقبه است و از طرف دیگر نتیجه قانونی هردو حالت غالباً معافیت متعهد از پرداخت خسارت عدم ایفای تعهد یا تأخیر

قوه قاهره و حادثه غیر مترقبه

در ایفای آن و برائت وی در برابر متعهدله است، تا پیش از اوایل قرن نوزدهم تفکیک بین آنها بنظر بیشتر دانشمندان غیر ضروری و لغو آمده هر دو را مثل هم پنداشته و دارای معانی یکسانی دانسته اند.

ایندسته میگفتند مفهوم دو حالت فوق عبارت از علتی است که خارج از قدرت و اراده مدیون یا متعهد بوده او را از ادای دین یا وفای بتعهد خویش باز میدارد و گذشته از این نه تنها تفکیک این دو از نظر قانونی منشاء ثمر و نتیجه ای نیست بلکه از حیث رعایت قواعد انصاف و عدالت عدم تجزیه منطقی تر است چه منظور از این تقسیم تحمیل خسارات بر متعهد در مورد حدوث حادثه غیر مترقبه است و چون این حادثه بدون قصور یا تقصیر وی رخ داده مطالبه غرامت از روی تکلیف شاق و مالا یطافی است که با عدل و داد منطبق نمیشد:

در حقوق رم پیش از عهد ژوستنین بین قوه قاهره (Vice major) و حادثه غیر مترقبه (Causus fortuitus) قائل بتفاوت بودند و متعهد یامدیون را مسؤول عدم ایفای تعهد یا تأخیر تادیه ای که ناشی از قوه قاهره بود نمیدانستند ولی هر گاه مثلاً شیئی موضوع تعهد نزد متعهد بسرقت میرفت این حالت را قوه قاهره نشمرده آنرا بحادثه غیر مترقبه تعبیر میکردند و متعهد را مسؤول آن میشمرند:

ژوستنین خطارا شرط اساسی و عامل اصلی مسئولیت اعلام نمود علیهذا در مواردیکه حوادث غیر مترقبه ای مانع از ایفای تعهد میشد چون نمیتوانست خطائی به متعهد منتسب سازد مسئولینی هم برای او قائل نمیکردید:

دلیل دیگری که میتوان بر یکسان بودن حکم قوه قاهره و حادثه غیر مترقبه در رم قدیم اقامه کرد اینستکه تعریفی که وئیوس برای حادثه غیر مترقبه کرده همان تعریفی است که اولپین (Ulpian) از قوه قاهره نموده است:

وی در تعریف قوه قاهره گفته است:

« قوای قاهره حوادثی است که متوقع الحصول نباشد و در صورت وقوع جلوگیری از آن میسر نشود ».

قرنها دانشمندان حقوق از این عقیده پیروی میکردند تا آنکه در اوایل قرن نوزدهم میلادی اکستر (Exner) استاد دانشگاه وین با آن مخالفت ورزید و این دو حالت را از هم متمایز دانست. پس از او در فرانسه ساله (Sallaie) و ژوسران (Josrand) و سایر علمای حقوق از او تبعیت کرده نظریه اش را تنقیح نمودند:

امروز عده کثیری از دانشمندان معتقدند که اصولاً قوه قاهره و حادثه غیر مترقبه دو حالت متمایز از یکدیگر میباشند و میگویند:

قوه قاهره قدرتیست خارج از اراده و اختیار متعهد و بی ارتباط با او که در عین حال از ایفای تعهد ممانعت و جلوگیری بعمل میآورد و این قوه نه تنها نسبت بشخص متعهد مانع انجام دادن قرارداد است بلکه هر فردی را هر چند هم مواظب و دارای حزم و احتیاط و حتی قوای غیر معمولی (anormal) هم

قوة قاهره و حادثه غير مترقبه

باشد از انجام دادن آن باز میدارد: مثلاً تعهد کشتیبانی میکند مال التجاره ای را در سر موعد معینی بمتصد برساند در این اثنا حادث جنگ و عدم امنیت در دریایا یا بروز طوفان و تندباد و انقلابات جوی مانع حرکت او میشوند یا ادامه حرکت را متوقف میسازند ولی حادثه غیر مترقبه سببی است که مربوط بخواهد متعهد یا اقرار کار یا نفس تعهد او میباشد اگرچه پیش گیری آن ممکن بنظر نرسد مانند ابتلای متعهد بسکنه قلبی یا مرض سخت و صعب العلاج یا خرابی ماشین آلات کارخانه ای که تعهد باید در آن انجام پذیرد و امثال اینها نتیجه ایندسته از علما معتقدند که در صورت وجود قوه قاهره مدیون یا تعهد را نمیتوان بجبران خسارات ناشیه از تأخیر ملزم ساخت ولی در مورد پیش آمدن حادثه غیر مترقبه چون مانعی داخلی (Obstacle interne) موجود بوده و جز در حالات استثنائی که تعهد جنبه شخصی دارد انجام دادن آن را مستمع نمیسازد و بوسیله شخص دیگری قابل ایفا است علیهذا خسارات حاصله باید جبران شوند.

غالب دانشمندان حقوق آلمان معتقدند حادثه غیر مترقبه موقعی است که ایفای تعهد نسبت بشرایط و اوضاع و احوالی که در متعهد وجود دارد غیر ممکن گردیده باین معنی که اگر کسی دیگری بجای او میبود میتواند موانع و مشکلات کار را برطرف و انجام دادن تعهد را ممکن سازد بنابراین حالت مزبور همان صورت عجز متعهد است که در قوه دوم ماده ۲۷۵ قانون مدنی آلمان آمده و موجب معافیتی برای مدیون نخواهد شد ولی قوه قاهره حالتی است که بطور مطلق وبدون هیچگونه قید و شرطی و در نظر گرفتن اعتبار و نسبتی نه قابل پیش بینی بوده نه قابل رفع و علاج باشد مثل سیل و زلزله و حوادث جوی و غیره.

قانون مدنی فرانسه حکم ایندو مورد را یکسان وضع کرده و بین آنها تفاوتی قائل نگردیده در ماده ۱۱۴۸ مقرر داشته است. «در صورت پیش آمد قوه قاهره یا حادثه غیر مترقبه مدیون مسئول خسارات تأخیر تأدیه و متعهد مسئول جبران ضرر های ناشی از عدم ایفای تعهد یا اقدام به فعلی که ترک آنرا ملزم شده است نخواهد بود.» ولی بر این حکم کلی مستثنیاتی نیز وارد ساخته که بعداً بآنها اشاره خواهد شد.

در حقوق انگلستان وقتی بموجب قرارداد مشروعی وظیفه ای بعهده کسی محول میگردد وبدون هیچ تصریحی که بتوان مستند باو کرد قادر بایفای آن تعهد نباشد از انجام دادن آن معذور خواهد بود و خسارتی تحمل نخواهد نمود. لرد سیمون (Lord Simon) در این باره میگوید: «در صورتیکه متعهد حقاً شروع بانجام دادن عمل موضوع تعهد کرده باشد اما در بدو یا در اثنای عمل حوادث غیر مترقبه ای پیش بیاید یا اوضاع و احوال تغییراتی پیدا کند که ناشی از حوادث غیر قابل پیش بینی باشد و ایفای تعهد و نیل بهدف را غیر ممکن سازد موجب فسخ و انقضای ناهنجار مدت قرارداد و ابراء ذمه متعهد میگردد.» این حالت در حقوق انگلستان «عجز» نامیده میشود.

قوة قاهره و حادثه غیر مترقبه

در فقه اسلام از آنجا که ربا مجوز شرعی ندارد و شاید چون اساس این دین مبتنی بر صحت گفتار و کردار و اطمینان و اعتماد بین مردم است نه در دیون و نه در تعهدات صحیحی از پرداخت خسارات نمی‌شود بلکه تعذر ایفای تعهد تنها موجب فسخ آن میگردد. مثلاً صاحب شرایع در باب مساقات می‌فرماید: **ولو تعذر ذلك كان له الفسخ تعذراً العمل** « همچنین در عقود دیگر مثل بیع اگر تسلیم مبیع بعلت تلف شدن آن بسببی که مربوط ببیع نیست یا بیلای آسمانی مستمع باشد بائع فقط متحمل تلف میگردد صاحب جواهر در این باره می‌فرماید: **« فاذا تلف المبيع بأفة سماوية قبل تسليمه الى المشتري كان من مال البائع »** و همچنین در مورد اجاره که می‌فرماید: **« ولو استأجر شيئاً فتلّف قبل قبضه بطلت الاجارة »** چنانکه اشاره شد قانون مدنی ایران در عین آنکه از این دو حالت صریحاً ذکری نکرده حکم هر دو را ضمن دو ماده ۲۷۰ و ۲۷۱ بیان نموده است از اینقرار: **ماده ۲۲۷: « متخلف از انجام تعهد وقتی محکوم بتأدیه خسارت میشود که نتواند ثابت نماید که عدم انجام بواسطه علت خارجی بوده است که نمیتوان مربوط باو نمود. »** **ماده ۲۲۹: « اگر متعهد بواسطه حادثه‌ای که دفع آن خارج از حیطه اقتدار او است نتواند از عهده انجام تعهد بر آید محکوم بتأدیه خسارت نخواهد بود. »**

در نظر اول تصور میشود که مفهوم دو ماده فوق یکست زیرا علت خارجی که نتوان آنرا مربوط به متعهد دانست بطور قطع دفع آن از حیطه اختیار وی خارج میباشد و قانون در اینجا موضوع واحدی را مکرراً آورده و حال آنکه بایان ماده ۲۲۹ از ذکر ماده ۲۲۷ بی‌نیاز بوده است. اما بالذکی دقت و تأمل بطلان این تصور ظاهر و آشکار میگردد چه مقنن در ماده ۲۲۷ اصولاً فرض توانائی و قدرتی را در رفع مانع برای متعهد نکرده و از این لحاظ هیچ قسم تکلیفی متوجه او نساخته است در حالیکه در ماده ۲۲۹ فرض قدرت ممانعت از پیش آمدن برای وی نموده و بطور ضمنی و غیر صریحی او را مکلف کرده است که حتی الامکان بمنظور جلوگیری از مانع تلاش کند و تاموفق نشده از پای ننشیند ولی اگر منتهای جهد و کوشش خود را بکار برد و نتیجه‌ای عایدش نشد مسئول جبران خسارات وارده نیست :

ثمره این خلاف در موقع دفاع از دعوی خسارت مشهود میگردد چه طبق اصل کلی حقوقی که در حقوق غالب کشورهای متمدن و نیز در فقه اسلام و قوانین ایران مشاهده میشود بار سنگین اثبات بردوش مدعی است که **« البینه علی المدعی »** و او است که باید در محکمه ابتدائاً بیانات خود را ایراد و اسناد و ادله خویش را ابراز نماید و چون استناد به مستمع بودن ایفای تعهد نوعی از ادعا و خلاف اصول طبیعی است لذا متعهد بامدیون یعنی کسیکه مدعی تعذر انجام دادن قرارداد یا پرداخت دین است باید اقامه دلیل کند و مدعای خود را باثبات رساند. حال اگر تأخیر یا عدم انجام تعهد در اثر قوة قاهره‌ای ایجاد شده باشد طرف متعهد تنها دو امر ساده و آسان را باید اثبات کند: یکی اینکه قوة قاهره‌ای مانع وفای بعهده شده دیگر آنکه قوة مزبور باوی ارتباطی نداشته است و حال آنکه

قوه قاهره و حادثه غیر مترقبه

در مورد وجود حادثه غیر مترقبه باید علاوه بر اینکه ثابت میکند حادثه غیر مترقبه ای رخ داده صرفنظر از اینکه حادثه مانع مزبور باوی مربوط بوده یا نبوده این امر مشکل راهم باثبات رساند که حداکثر تلاش و منتهای جد و جهد را برای رفع مانع نموده است نتوانسته کاری از پیش ببرد و از خسارت جلوگیری بعمل آورد :

ضمن بحث این مطلب باید متذکر شد که قوانین ایران از لحاظ برائت ذمه متعهد در مورد « قوه قاهره » و « حادثه غیر مترقبه » تفاوتی ندانسته از این حیث قائل به استثنائی نشده اند بطوریکه قانون تجارت طی ماده ۳۸۶ مقرر میدارد : « اگر مال التجاره تلف یا گم شود متصدی حمل و نقل مسئول قیمت آن خواهد بود مگر آنکه ثابت نماید تلف یا گم شدن مر بوط بحودائی بوده که هیچ متصدی مواظبی نیز نمیتوانست از آن جلوگیری نماید » و ماده ۳۸۷ آن قانون میگوید : « در مورد خسارات ناشیه از تأخیر

تسلیم یا نقص یا خسارت بحری (اوری) مال التجاره نیز متصدی حمل و نقل در حدود ماده فوق مسئول خواهد بود » و حال آنکه قوانین فرانسه در موارد خاصی تنها وجود قوه قاهره را موجب برائت ذمه و معافیت از پرداخت غرامت دانسته نه وضع غیر مترقبه را . مثلاً قانون سوانح ناشیه از کار سورخ آوریل ۱۸۹۸ کارفرما را در صورتیکه سانحه از آلات و ادوات کار او ناشی شده باشد مثل انفجار دیگ بخار یا نقص عضوی از اعضای بدن کارگر بوسیله چرخ ماشین و غیره مسئول پرداخت غرامت ساخته ولی اگر قوه قهریه ای موجب بروز سانحه شده مثلاً زلزله یا سیل عمارت کارگاه را بر سر کارگران منهدم و آنان را نابود نماید برای وی مسئولیتی قائل نگردیده است و همچنین در مورد قرارداد حمل و نقل متصدی حمل و نقل را مسئول حوادث غیر مترقبه شمرده ولی نسبت به خسارات ناشی از قوای قاهره برای او مسئولیتی قائل نگردیده است .

گاهی هم قوانین نه قوه قاهره و نه حادثه غیر مترقبه را موجب برائت ذمه مدیون یا متعهد از خسارات تأخیر تأدیه یا تسامح در وفای به تعهد ندانسته اند مثلاً در موردیکه پس از انقضای اجل یا فرارسیدن موقع انجام عمل داین یا متعهدله از مدیون یا متعهد رسماً تقاضای ادای دین یا وفای بعهد را بنماید و او حاضر بتأدیه نگردد ضامن هر گونه خساراتی خواهد بود اعم از اینکه قوه قاهره یا حادثه غیر مترقبه یا امر دیگر موجب آن شود . راجع باین موضوع ماده ۲۷۸ قانون مدنی ایران مقرر میدارد « . . . اگر متعهد با انقضای اجل و مطالبه تأخیر در تسلیم نموده باشد مسئول هر کسر و نقصان خواهد بود اگر چه کسر و نقصان مر بوط به تقصیر شخص متعهد نباشد . » و ماده ۱۳۰۲ قانون مدنی فرانسه میگوید « اگر موضوع تعهد عین معین باشد و بدون تقصیر متعهد و قبل از مطالبه از او تلف گردد یا از قیمت بیافتد یا ضایع گردد از متعهد سلب مسئولیت میشود . » که از مفهوم مخالف این عبارت استنباط میگردد اگر بعد از مطالبه بدون تقصیر یا در نتیجه قوه قاهره و غیر مربوط به متعهد تلف شود مسئولیت او محرز است .

باید دانست که مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ قانون مدنی ایران و مواد مشابه آن در قانون فرانسه و سایر قوانین بصورت حکم قانونی وضع شده اند و حق نیستند تا قابل اسقاط باشند بنابراین شرط مخالف آنها در ضمن عقد نیز باطل و بلا اثر است اما برعکس در حقوق انگلستان از قرن هفدهم رویه قضائی عجیبی باقی مانده که به رویه « قاعده قراردادهای مطلق » مشهور است و مطابق آن « اگر متعهد با تعهد مطلق خود را ملزم با انجام دادن قرارداد سازد بهیچوجه حتی بوسیله اثبات قوه قاهره نمیتواند از زیر بار مسئولیت شانه خالی کند »

علت وضع این قاعده خشن بقول دوتن از استادان و دانشمندان حقوق انگلستان بنام های چشایر (Cheshire) و فیفوت (Fifoot) آنستکه : هر يك از طرفین در قرارداد خود کاملاً آزاد و مختار است و همیشه میتواند حدود و قایع غیر مترقبه ای را که مانع انجام دادن تعهد او بشوند پیش بینی کند و با وجود این اگر بدون قید و شرط التزام مطلق را بعهده گرفته در صورت پیش آمد موانع نباید سله و شکایت را سردهد زیرا خود کرده را چاره نیست »

دکتر عبدالمجید مجیدی

بزهکاری خردسالان

یکی از میوه های تلخ اجتماعات کنونی بشری بزهکاری خردسالانی است که هنوز وارد جامعه و زندگی اجتماعی نشده ، در اثر تربیت غلط ، بی سرپرستی و بالاخره فقر بانواع فساد و کثافت آلوده میشوند . وغالباً زندگیشان برای همیشه تباه میگردد . زیرا یکبار که مرتکب جرمی شده و وارد زندان گردیدند ، بعلت خرابی وضع تربیتی زندانها و دارالتأدیب ها و نبودن روش صحیح تربیتی و اصلاحی ، فاسد تر شده و دوسرتبه وارد محیط اجتماعی و شرایط مناسبی برای انجام جنایات و بزههای جدید میگرددند . بدین ترتیب نهالهای جوانی که میتوانند ثمرات پر قیمتی برای بشریت ببار آورند تبدیل به طفلیهای مضر اجتماعی یعنی معتادین بجرم میشوند .

در مقابل بزهکاری خردسالان ، جامعه بیش از مورد جنایت کاری کلان سالان دارای مسئولیت میباشند . زیرا شرایط اجتماعی در ساختمان روحی طفل و طرز تفکر و بالاخره اعمال او تأثیر بیشتری دارد . لذا با جرئت میتوان گفت که مسئول بزهکاری